

Reflecting the reasons and motivations of Iraq for attacking Iran based on the contents of the Enghelabe Eslami newspaper

Elham Rajaie*

Hojjat Fallah Tootkar**

Abstract

The reasons and motivations of the Iraq government to attack Iran as a research topic have been studied by many researchers and political and historical researchers, and various views have been presented in this regard. In the meantime, the Enghelabe Eslami newspaper, which was published by Abul Hassan Bani Sadr and his like-minded people at the beginning of the victory of the Islamic Revolution, has also paid attention to this issue, and the origins of the war have also been considered from the perspective of this newspaper. This research focuses on this issue and tries to answer the question in this regard, what reasons did the Enghelabe Eslami newspaper pay attention to as the roots of the Iran-Iraq war?

The hypothesis of the research is that Enghelabe Eslami newspaper is a projection of the American and Israel conspiracies on the one hand and the goals and desires of Saddam Hussein and the Baath party to destroy the Iranian revolution, in order to deal with internal challenges and... The main reasons for the war have been pointed out. The authors will answer this question by using analytical-descriptive method.

Keywords: Iran-Iraq war, Enghelabe Eslami newspaper, Abul hassan Bani Sadr, America, Israel.

* Ph.D. student in Islamic Revolution History, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran
(Corresponding Author), e.rajaee00@gmail.com

** Associate Professor of Imam khomeini Internal university, Qazvin, Iran.h.fallah1347@gmail.com

Date received: 25/08/2023, Date of acceptance: 02/10/2023





پښتو ښکته ځاښه علوم انساني و مطالعات فرښکته
پرتال جامع علوم انساني

بازتاب دلایل و انگیزه‌های عراق از حمله به ایران بر بنیاد مندرجات روزنامه انقلاب اسلامی

الهام رجایی*

حجت فلاح توتکار**

چکیده

دلایل و انگیزه‌های دولت عراق از حمله به ایران به عنوان یک موضوع پژوهشی مورد توجه و بررسی بسیاری از پژوهشگران و محققان سیاسی و تاریخی قرار گرفته و دیدگاه‌های مختلفی نیز در این خصوص ارائه شده است. در این میان روزنامه انقلاب اسلامی که در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی به وسیله ابوالحسن بنی‌صدر و همفکران وی انتشار می‌یافت نیز این مسئله را مورد توجه قرار داده و ریشه‌های وقوع جنگ از منظر این روزنامه نیز مد نظر قرار گرفته است. این پژوهش بر این مسئله تمرکز دارد و تلاش می‌کند که در این خصوص، به این سؤال پاسخ دهد که روزنامه انقلاب اسلامی چه دلایلی را به عنوان ریشه‌های جنگ ایران و عراق مورد توجه قرار داده است؟

کلیدواژه‌ها: جنگ ایران و عراق، روزنامه انقلاب اسلامی، ابوالحسن بنی‌صدر، آمریکا، اسرائیل.

۱. مقدمه

جنگ ایران و عراق یکی از طولانی‌ترین و هولناکترین جنگ‌های معاصر به حساب می‌آید که از منظر آسیب‌های انسانی و طبیعی به عنوان یک بحران اجتماعی مدرن شناخته می‌شود و تلفات

* دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)،
e.rajaee00@gmail.com

** دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران، h.fallah1347@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۰



آن برای هر دو طرف قابل توجه و زیانبار بود. این جنگ که از سوی دولت عراق آغاز گردید و به مدت ۸ سال ادامه یافت، از دلایل مختلفی نشأت می‌گرفت که بسیاری از پژوهشگران آن را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. جنگ ایران و عراق به عنوان یک پدیده و بحران بین‌المللی بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها و مجامع بین‌المللی و داخلی نیز داشته است و به همین خاطر بسیاری از روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها، مسائل مربوط به جنگ ایران و عراق را در طول جنگ و بعد از وقوع آن پوشش می‌دادند و تحلیل‌ها و ارزیابی‌های مختلفی را در مورد ادعای ارضی و تحرکات عراق و تحولات جنگ بیان می‌داشتند. در این زمان، روزنامه انقلاب اسلامی نیز از جمله رسانه‌های ارتباطی بود که هم پیش از آغاز جنگ و هم در دوران شکل‌گیری جنگ، اخبار و مسائل مربوط به جنگ ایران و عراق را پوشش می‌داد و تلاش داشت که به دلایل و انگیزه‌های عراق از حمله به ایران اشاره کرده و آن را بازتاب دهد. این مسئله مورد توجه پژوهش حاضر قرار گرفته است. نویسندگان تلاش دارند که علل اصلی حمله عراق به ایران را از منظر روزنامه انقلاب اسلامی مورد بحث و بررسی قرار دهند چرا که روزنامه مذکور تحت مدیریت و صاحب امتیازی سیدابوالحسن بنی‌صدر رئیس‌جمهور و فرمانده کل قوا قرار داشت که در آن زمان نماینده یک جناح فکری خاص نیز به شمار می‌رفت. از این رو، سؤال اصلی این پژوهش این است که روزنامه انقلاب اسلامی چه دلایلی را به عنوان ریشه‌های جنگ ایران و عراق مورد توجه قرار داده است؟ فرضیه تحقیق این است که روزنامه انقلاب اسلامی به توطئه‌های آمریکا و اسرائیل از یک سو و اهداف و خواسته‌های صدام حسین و حزب بعث مبنی بر نابودی انقلاب ایران از سویی دیگر به مقابله با حکومت ایران پرداخت که آنها را نیز به عنوان دلایل اصلی جنگ بیان داشته است. نویسندگان از روش توصیفی-تحلیلی به منظور پاسخ به سؤال اصلی پژوهش استفاده خواهند کرد. سازماندهی این نوشتار نیز مبتنی بر بررسی پیشینه جنگ ایران و عراق، تشریح روزنامه انقلاب اسلامی و درنهایت دلایل حمله عراق به ایران از منظر روزنامه انقلاب اسلامی می‌باشد.

درباره دیدگاه‌های روزنامه انقلاب اسلامی در رابطه با جنگ ایران و عراق تاکنون هیچ‌گونه پژوهش مستقلی صورت نگرفته است و از این منظر می‌توان آن را یک نوآوری به حساب آورد. با این حال باید یادآور شد که درباره این روزنامه تنها کتابی تحت عنوان «روزنامه انقلاب اسلامی در مسیر تاریخ» تألیف محمد جعفری به چاپ رسیده است که نویسنده در بخش نخست آن به مقدمات شکل‌گیری روزنامه و تاریخچه آن پرداخته و بخش دوم نیز شامل سرمقاله‌هایی می‌باشد که خود، آن را در روزنامه به چاپ رسانده است (جعفری، ۱۳۸۹: ۲).

۲. جنگ ایران و عراق

جنگ ایران و عراق به کشمکش و منازعه ۸ ساله بین دولت ایران و عراق اشاره دارد که از سال ۱۳۵۹ (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰) آغاز و در ۲۹ مرداد سال ۱۳۶۷ (۲۰ اوت ۱۹۸۸) به پایان رسید؛ اگرچه در مورد آغاز جنگ اختلاف دیدگاه وجود دارد به گفته دولت عراق، درگیری در ۱۳ شهریور ۱۳۵۹ (۴ سپتامبر ۱۹۸۰) و زمانی آغاز شد که نیروهای ایرانی شهرها و روستاهای عراق را در امتداد منطقه مرزی میانی دو کشور گلوله باران کردند اما طبق ادعای ایران و اکثر ناظران، عراق متجاوز بود (Swearingen, 1988: 504) زیرا طبق اسناد و مدارک موجود عراق برای نخستین بار در ۱۳ فروردین ۱۳۵۸ (۲ آوریل ۱۹۷۹م)، گمرک بهرام‌آباد واقع در مهران را مورد حمله هوایی قرار داد و روز بعد نیز به قصر شریں حمله کرد (کارنامه توصیفی هشت سال دفاع مقدس، ۱۳۸۲: ۲۰-۲۱).

در نهایت جنگ رسماً در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰م) یعنی زمانی که نیروهای عراقی تهاجم تمام عیار به ایران را آغاز کردند، شروع شد. در ابتدا، دولت عراق توانست بخشی از مناطق استراتژیک ایران از جمله خرمشهر را تحت تصرف خود درآورد اما این تصرف چندانی دوامی نداشت و به زودی ورق منازعه به نفع ایران برگشت و نیروهای ایران ابتدا طی عملیات‌های «بیت المقدس» و «فتح المبین» توانستند ضربات مهلکی را به نیروهای عراقی وارد سازند و در نهایت در خرداد ۱۳۶۱ خرمشهر را آزاد کنند. این جنگ هیچ برنده نهایی و قاطعی نداشت و پس از گذشت هشت سال و به موجب قرارداد الجزایر و قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد، پایان یافت (برزگر، ۱۳۹۷: ۲).

جنگ ایران و عراق یکی از مخرب‌ترین درگیری‌های اواخر قرن بیستم بود که اگرچه تعداد کل جنگجویان هر دو طرف مشخص نیست، اما نیروهای هر دو کشور کاملاً بسیج شده و در برابر یکدیگر صف‌آرایی کرده بودند. تعداد تلفات جنگ نیز بسیار زیاد بود و برآورد شده است که تعداد کشته‌شدگان از هر دو طرف در مجموع ۱,۰۰۰,۰۰۰ یا حتی دو برابر این تعداد بوده است (Iran-Iraq War, 2022).

۳. تأسیس روزنامه انقلاب اسلامی

ریشه شکل‌گیری روزنامه انقلاب اسلامی به تلاش‌های ابوالحسن بنی‌صدر، اولین رئیس جمهور ایران و همفکران او جهت ایجاد یک روزنامه یا مجله مستقل در کشور به سال‌های قبل

از انقلاب برمی‌گردد. اعضای اصلی این روزنامه که در تأسیس آن نقش داشتند پیش‌تر در فرانسه در قالب فعالیت‌های سیاسی به خصوص در چارچوب گروه «هسته امام» با تفکرات و نگرش‌های سیاسی - اجتماعی با یکدیگر آشنا شدند (جعفری، ۱۳۸۳: ۳۵۵)؛ و در صدد ارائه تفسیر معتدل‌تری از دین بودند که در قالب آن اصل آزادی بشر مد نظر قرار گرفته و زمینه برای تشکیل نظام سیاسی دموکراتیک (Democratic) نیز فراهم گردد (احمدی، ۱۳۸۰: ۵۷-۵۶). بنابراین از منظر مؤسسان روزنامه، حفظ و حراست از آزادی و استقلال و تأمین حقوق فردی و اجتماعی در فضای سیاسی کشور مستلزم داشتن یک روزنامه مستقل بود (جعفری، ۱۳۸۹: ۳۲). در همین راستا روزنامه انقلاب اسلامی در شماره نخست خود ضمن تأکید بر اهمیت آزادی بیان، این‌گونه اظهار کرده است: «فکر ایجاد این روزنامه در جریان انقلاب پیدا شده و به عمل درآمده است» (روزنامه انقلاب اسلامی، ۲۹ خرداد ۱۳۵۸: ۱). براین اساس پس از وقوع انقلاب اسلامی و بازتر شدن فضای سیاسی در ایران زمینه برای تحقق چنین ایده‌ای فراهم گشت و با تلاش‌هایی که از جانب بنی‌صدر و اطرافیانش صورت پذیرفت اولین شماره روزنامه انقلاب اسلامی به مدیریت وی و سردبیری علیرضا نویری در روز سه‌شنبه، ۲۹ خرداد ۱۳۵۸ (۱۹ ژوئن ۱۹۷۹م) و در ۱۲ صفحه منتشر شد (روزنامه انقلاب اسلامی، ۲۹ خرداد ۱۳۵۸، ۲-۱؛ جعفری، ۱۳۸۹: ۳۴-۳۲).

در آن زمان بنی‌صدر عضو شورای انقلاب اسلامی بود و هیچ سمت دیگری را در دولت موقت نپذیرفته بود و لذا تا زمان کسب پست ریاست جمهوری، خود مدیریت نشریه را برعهده داشت. اما پس از رسیدن وی به مقام ریاست جمهوری، محمد جعفری مدیر مسئول جدید و سید جمال‌الدین موسوی نیز به عنوان سردبیر انتخاب شدند. در مورد نام روزنامه گزینه‌های مختلفی از جانب مؤسسين آن پیشنهاد شد که از بین تمامی این عناوین که شامل توحید، انقلاب اسلامی، طلوع فجر، عدالت، آزادی، رسالت و... بود ابتدا نام‌های توحید، انقلاب اسلامی و رسالت انتخاب گردید و سپس بنی‌صدر در دیداری که با امام خمینی داشت، جهت احترام به وی، این سه اسم را به او پیشنهاد داد که امام خمینی عنوان «انقلاب اسلامی» را برگزید (جعفری، وبسایت روشنبخشی).

بودجه اولیه این روزنامه نیز با کمک مردم جمع‌آوری شد و طی جلساتی که با برخی از تجار صورت پذیرفت قرار بر این شد که با مجوز امام خمینی جهت تأمین بودجه روزنامه از تجار به عنوان سهم امام کمک گرفته شود. لذا تجار می‌توانستند از ۱/۳ سهم امام، به تأسیس روزنامه کمک کنند (جعفری، ۱۳۸۹: ۳۴-۳۲). اعضا و کارکنان روزنامه نیز بیش از آن که به

بازتاب دلائل و انگیزه‌های عراق از حمله ... (الهام رجایی و حجت فلاح توتکار) ۱۲۱

فکر منافع مادی خود باشند در راستای رسالت انقلابی و آزادی‌خواهانه خود با روزنامه همکاری می‌کردند (جعفری، وبسایت روشنبخشی).

با توجه به مشکلات موجود از جمله هزینه کارکنان روزنامه و همچنین چاپ و فروش آن، روزنامه انقلاب اسلامی در آغاز فعالیت خود ۸۰ هزار تیراژ داشت اما از اواخر زمستان ۱۳۵۸ (مارس ۱۹۸۰م) و اوایل سال ۱۳۵۹ (۱۹۸۰م) تیراژ روزنامه افزایش یافت و از شهریور ۱۳۵۹ (اوت ۱۹۸۰م) به بعد تیراژ آن به سرعت سیر تصاعدی پیدا کرد و به ۱۲۰، ۱۸۰، ۲۰۰، ۳۲۰، ۴۰۰ و ۴۵۰ هزار رسید (همانجا). افزایش تیراژ روزنامه به مرور زمان آن را به یکی از برجسته‌ترین روزنامه‌های اوان انقلاب اسلامی ایران تبدیل کرده بود این در حالی است که در فضای انقلابی آن زمان نمی‌توانست جایگاه فکری برجسته‌ای در میان نشریات کسب کند چرا که مبانی فکری حامیان بنی‌صدر برای گروه‌های تندرو مذهبی آن زمان قابل پذیرش نبود و محلی از اعراب نداشت.

در واقع روزنامه انقلاب اسلامی در طول عمر کوتاهش نگرش‌ها و دیدگاه‌های بنی‌صدر رئیس جمهور وقت و دیگر دوستان وی را انتشار می‌داد و بیانگر موضع معتدلانه و مبتنی بر اصل موازنه منفی (Negative balance) گردانندگان آن نسبت به حوادث و جریان‌ات انقلاب بود. به همین خاطر گروه‌های تندرو مذهبی از همان اوایل تأسیس، با سیاست‌ها و مواضع داخلی و خارجی این روزنامه مخالف بوده و آن را نماینده گروه‌های لیبرال (Liberal) قلمداد می‌کردند.

بعد از شکست نیروهای مخالف بنی‌صدر در انتخابات ریاست جمهوری، تلاش‌های زیادی از سوی آنها در جهت تضعیف رئیس جمهور صورت گرفت که از جمله اقدامات آنها اعمال فشار بر برخی مطبوعات و تشکل‌هایی بود که پیرو مواضع بنی‌صدر بودند. بنابراین چند روز پیش از عزل رئیس جمهور، روزنامه انقلاب اسلامی به عنوان اصلی‌ترین رسانه همسو با بنی‌صدر به همراه «دفتر هماهنگی همکاری‌های مردم با رئیس جمهور» که تنها وسیله ارتباطی رئیس جمهور با مردم بودند، توقیف شد (بنی‌صدر، ۱۳۶۰: ۴۴-۴۵).

محمد جعفری دومین مدیر مسئول روزنامه انقلاب اسلامی در مورد مخالفت گروه‌های تندرو با مواضع و سیاست‌های روزنامه انقلاب اسلامی و حامیان ابوالحسن بنی‌صدر اظهار می‌دارد که از نیمه دوم سال ۱۳۵۹، به علت انتقادات از عملکرد و اقدامات خلاف قانون ارگان‌هایی نظیر کمیته‌ها، سپاه پاسداران، دادگاه‌های انقلاب و جهاد سازندگی مورد خطاب پیام‌های امام خمینی مبنی بر ابراز مخالفت ایشان نسبت به موضع‌گیری‌های روزنامه انقلاب اسلامی قرار گرفتند. این مخالفت‌ها منجر به رویارویی شدیدتر این دو جناح با یکدیگر شد

(جعفری، وبسات روشنبخشی، بی تا؛ بنی صدر، ۱۳۶۰: ۴۴-۴۶). همین مسائل باعث شد که در نهایت هیئت سه نفره‌ای که از محمدرضا مهدوی‌کنی، به نمایندگی از سوی امام خمینی، محمد یزدی به نمایندگی از رؤسای دیوان عالی کشور و مجلس شورای اسلامی و نخست‌وزیر و شهاب‌الدین اشراقی به نمایندگی از سوی رئیس‌جمهور جهت حل اختلاف موجود میان سران قوای مملکتی تشکیل شده بود، دیدگاه نهایی خود را مبنی بر تعارض روزنامه انقلاب اسلامی با مبانی اسلام و انقلاب اعلام دارند. بنابر اعلام هیئت سه نفره حل اختلاف «نشر مقالات تشنج‌زا و مخل به مبانی اسلام و حقوق عمومی جامعه نوپا و انقلابی مردم مسلمان ایران بویژه در زمان جنگ» به عنوان عامل اصلی توقیف این روزنامه بیان شد. در آن زمان دستور توقیف ۷ نشریه، به دستور آیت‌الله بهشتی و با امضای اسدالله لاجوردی صادر شد. روز ۱۷ خرداد ۱۳۶۰ لاجوردی دادستان انقلاب اسلامی مرکز طی اطلاعیه‌ای خبر از توقیف این نشریات، که روزنامه انقلاب اسلامی نیز جزو آن بود را تأیید کرد. با اعلام این خبر، در ۱۸ خرداد ماه روزنامه باز هم با تیتراژ «روزنامه انقلاب اسلامی توقیف شد» منتشر کرد که پس از آن با حکم دادستان، چاپخانه آن توقیف و تیراژهای روزنامه نیز جمع‌آوری گردید. بعد از آن بنی صدر طی اطلاعیه‌ای این اقدام را به معنای حذف ریاست جمهوری توسط غول استبداد و تحمیل حاکمیت انحصاری توسط امام و سایر ارکان نظام و حزب جمهوری اسلامی عنوان کرد (بنی صدر، ۱۳۸۵: ۲۴۲-۲۴۳). در پی شدت یافتن درگیری‌ها و اختلاف نظرات میان رئیس‌جمهور با حزب جمهوری اسلامی، امام خمینی در ۲۰ خرداد ۱۳۶۰، بنی صدر را از فرماندهی کل قوا عزل کرد (صحیفه امام، ۱۴، ۱۳۷۸: ۴۲۰). بنی صدر در واکنش به آن، طی نامه‌ای به امام، ایشان را به پایبندی در اجرای قانون اساسی، احترام به آرای مردم در انتخاب رئیس‌جمهور و خودداری از زبان تهدید فراخواند (بنی صدر، ۱۳۸۵: ۲۴۵-۲۴۶). بعد از آن، نمایندگان مجلس طرح دو فوریتی عدم کفایت سیاسی بنی صدر را در مجلس تصویب کردند (مشروح مذاکرات مجلس اول شورای اسلامی، ۱۳۶۰/۳/۲۶، ۲۰). سپس تظاهرات و درگیری‌های خیابانی طرفداران بنی صدر در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، رخ داد. امام خمینی نیز در ۱ تیر ۱۳۶۰ بنی صدر را از ریاست جمهوری عزل کرد (همان، ۱۳۶۰/۳/۳۱، ۴۳). بنی صدر در ۶ مرداد همان سال به همراه جمعی از اعضای مجاهدین خلق مخفیانه از کشور خارج شد و از این پس روزنامه انقلاب اسلامی در خارج از کشور با عنوان روزنامه «انقلاب اسلامی در هجرت» انتشار یافت (جعفری، وبسایت روشنبخشی؛ بنی صدر، ۱۳۸۰: ۱۹۳) که از آن زمان تاکنون جزو رسانه‌های

بازتاب دلائل و انگیزه‌های عراق از حمله ... (الهام رجایی و حجت فلاح توتکار) ۱۲۳

منتقد حکومت ایران محسوب می‌شود و به خصوص در دوران جنگ ایران و عراق نیز مقالاتی در انتقاد نسبت به مدیریت جنگ و سران جمهوری اسلامی منتشر می‌کرد.

۴. جناح فکری روزنامه انقلاب اسلامی

دست اندرکاران اصلی روزنامه انقلاب اسلامی را تحصیلکردگان اروپا که اغلب در فرانسه مشغول تحصیل بودند تشکیل می‌دادند به همین خاطر از منظر فکری دارای اتفاق نظر بودند. این گروه با تعبیر خاص خود از اسلام تلاش داشتند که مفاهیم استقلال و آزادی را در جامعه ایرانی و در قالب انقلاب ۱۳۵۷ تحقق بخشند و اصل موازنه منفی را نیز اساس کار خود در سیاست خارجی قرار دهند. از این رو، روزنامه انقلاب اسلامی رسالت و اهداف خاصی را برای خود در نظر گرفته بود که با بسیاری دیگر از روزنامه‌های آن زمان از جمله روزنامه جمهوری اسلامی که از طرف وابستگان به حزب جمهوری اسلامی منتشر می‌شد، تفاوت داشت. اهداف اصلی و مورد قبول دست اندرکاران روزنامه انقلاب اسلامی بنابر اساسنامه عبارت بود از:

۱. سامان و سازمان دادن مبارزه آزادیخواهان و استقلال طلبان در مقابل استبدادگرایان و انحصار طلبان.
۲. تحقق بخشیدن و جا انداختن بحث آزاد به منظور دستیابی به حل مسائل کشور و حذف اسلحه و قدرت برای ارائه راه حل مسائل کشور.
۳. جریان آزاد اندیشه و اطلاعات و انتشار نظرات و دیدگاه‌های صاحب نظران.
۴. حفظ و حراست از منزلت، حرمت و شرافت انسان‌ها از دستبرد انحصارگران و دفاع از آزادی و حقوق فردی و اجتماعی.
۵. عرضه دین، بعنوان بیان آزادی و آزادی بخشی و مبری کردن آن از بیان قدرت.
۶. نشان دادن کاربرد سیاست موازنه منفی (عدمی) در ابعاد مختلف آن به منظور تنها روش دستیابی به آزادی و استقلال چه در عرصه کشور و چه در عرصه فردی و اجتماعی و یا به عبارت ساده‌تر نه زیر بار ظلم رفتن و نه ظالم بودن نسبت به خودی و بیگانه.
۷. مطرح کردن آزادی و استقلال به عنوان دو روی یک سکه، در ابعاد گوناگون آن و بدست دادن ضابطه و معیار برای سنجش آن و تشخیص سره از ناسره و حفظ آن از دستبرد انحصارگرایان و مستبدان (جعفری، ۱۳۸۸: ۱۴۱)

۵. انگیزه‌ها و دلایل عراق از حمله به ایران

در مورد دلایل و انگیزه‌های دولت عراق از حمله به ایران دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است که با این حال نمی‌توان به یک یا چند دلیل کلی بسنده کرد زیرا عوامل مختلف در زمان‌های خاص تاریخی در شروع جنگ‌ها اثر گذارند و از این رو نمی‌توان همواره به یک یا چند عامل خاص برای شروع جنگ تأکید ورزید زیرا با فراهم شدن این زمینه‌ها در برهه‌های دیگر شاید جنگی اتفاق نیافتد. بنابراین می‌توان گفت زمان وقوع جنگ‌ها با در کنار هم قرار گرفتن یک سری عوامل و شرایطی است که شاید غیر قابل تکرار باشند. با این تفاسیر در رابطه با آغاز جنگ ایران و عراق نیز همواره از ابتدای شروع آن، دلایلی مطرح شده است که برخی از آنها بعدها از سوی مفسران و پژوهشگران مورد قبول و برخی نیز رد و در اکثر مواقع با در کنار هم قرار گرفتن آنها، به دلایل کامل‌تر و منطقی‌تری منتج شده‌اند.

در ذکر دلایل کلی آغاز این منازعه، پیش از هر چیز باید به گسترش نهضت‌های ملی‌گرایانه در کشورهای عربی - اسلامی اشاره کرد که صدام حسین ادامه حکومت خود را با گسترش آزادی‌خواهی در بین مردم عراق در مخاطره می‌دید لذا بعد از مشورت با دولت عربستان و اردن، طرحی را برای کنترل و مهار انقلاب ایران مطرح کرد که طبق آن، صدام می‌توانست به عنوان ژاندارم آمریکا، خلاء قدرت منطقه‌ای را پر کند. دولت آمریکا بعد از پیروزی انقلاب ایران اقداماتی از جمله حمایت از گروه‌های طرفدار غرب، حمایت از جنبش‌های جدایی طلب، اجرای طرح کودتا و نهایتاً حمله نظامی مستقیم را که همگی با اهداف عراق هم‌سو بود را در راستای مهار انقلاب ایران برنامه‌ریزی و یا پیاده کرده بود (رئیس طوسی، سال سوم، شماره ۱۶: ۲۹).

در تیر ۱۳۵۹، صدام دیدار محرمانه با برژینسکی، مشاور امنیت ملی دولت کارتر در اردن داشت. در این ملاقات، برژینسکی رضایت دولت آمریکا از حمله عراق به ایران را به صدام، القاء کرد (همانجا). بعدها مجله فیگارو پس از سفر طارق عزیز به فرانسه در گزارشی نوشت که در ملاقات برژینسکی و صدام، آمریکا قول حمایت همه جانبه به صدام داده است و نسبت به برقراری یک جمهوری عربی یعنی تجزیه خوزستان نیز مخالفتی نخواهد داشت (روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۷ آذر ۱۳۵۹: ۱). با روی کار آمدن دونالد ریگان، حمایت آمریکا از عراق بیش از پیش شد و اعلام شد که به منظور جلوگیری از روی کار آمدن یک دولت شیعه در عراق و دیگر کشورهای منطقه، بیشترین تلاش برای تقویت رژیم‌های دوست انجام خواهد گرفت.

بازتاب دلائل و انگیزه‌های عراق از حمله ... (الهام رجایی و حجت فلاح توتکار) ۱۲۵

پیرو آن، حجم زیادی سلاح و تجهیزات نظامی به عراق سرازیر شد (Washington Post, 5 October 1980).

با آغاز حمله عراق، بنی‌صدر در ۱ شهریور ۱۳۵۹، پیامی خطاب به مردم عراق، مسلمانان جهان و نیروهای ارتش ایران صادر کرد که در آن به تمایل ایران به جلوگیری از بروز جنگ میان دو کشور و انتشار مطالبی خلاف واقع از سوی رژیم بعث عراق مبنی بر حمله ایران به آن کشور اشاره کرد. وی صدام را «دستیار آمریکای سلطه‌گر» و «مقلد موشه دایان» وزیر خارجه اسرائیل دانست. بنی‌صدر در پایان، ارتشیان را به مقابله با دشمن فراخواند تا «بدون تزلزل و دغدغه خاطر از جمهوری اسلامی و میهن اسلامی» دفاع کنند (روزنامه انقلاب اسلامی، ۱ شهریور ۱۳۵۹، ۲).

بنی‌صدر با تأکید بر اقدامات تحریک‌آمیز و مداخله‌جویانه کشورهای غربی و عراق که به منظور جلوگیری از صدور انقلاب ایران صورت گرفته بود (همان، ۴ تیر ۱۳۵۸: ۴؛ بنی‌صدر، ۱۳۶۷: ۷۰) دو دلیل عمده را در شعله‌ور شدن آتش جنگ مطرح می‌کند که در هر دو آنها نشانه‌هایی از فضای ملتهب و پرتنش آن دوره را می‌توان یافت:

۱. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، صدام، موسی اصفهانی نوه آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی را جهت دلجویی از امام خمینی نزد ایشان فرستاد تا نسبت به رفتار حکومت پیشین عراق با امام در زمان تبعیدشان در نجف عذرخواهی نماید؛ امام در پاسخ اعلام کرد که هدف صدام کسب مشروعیت می‌باشد چرا که عمر رژیم بعث رو به پایان است. بنابراین از سوی ایران، اجازه برقراری روابط حسنه میان دو کشور داده نشد (مصاحبه حسین دهباشی با سید ابوالحسن بنی‌صدر، فصل دوم، نوبت ۲۵). شایان ذکر است که برخی از اطرافیان امام خمینی وجود این ملاقات را رد می‌کنند (فردوسی‌پور، ۱۳۹۰: ۱۵۶)؛ و از آنجایی موسی اصفهانی پیش از وقوع انقلاب درگذشته است می‌توان این ادعای بنی‌صدر را با تردید نگریست.

۲. مهمترین مسئله‌ای که منجر به ورود دولت ایالات متحده آمریکا به رقابت‌ها و درگیری‌های منطقه خلیج فارس و در نهایت برافروختن آتش جنگ شد، مسئله حمله دانشجویان پیرو خط امام به سفارت آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ (۴ نوامبر ۱۹۷۹م) و به گروگان گرفتن کارمندان سفارت بود؛ این اقدام منجر به مذاکراتی میان مقامات آمریکایی با وساطت عربستان سعودی، با صدام حسین در بغداد شد. صدام از سویی با تشویقات و تحریکات آمریکا و از سوی دیگر به گمان این‌که فرصت تاریخی جهت تجدید حیات

امپراتوری عباسیان را بدست آورده است، جنگ را آغاز کرد (مصاحبه حسین دهباشی با سید ابوالحسن بنی صدر، فصل دوم، نوبت ۲۵).

شایان ذکر است که برخی از جمله حسن حبیبی نماینده تهران در دور اول مجلس شورای اسلامی معتقد است که جنگ عراق علیه ایران سال‌ها پیش از وقوع انقلاب اسلامی آغاز شده بود و آن زمانی بود که امام خمینی در تبعید نجف به سر می‌برد و حکومت عراق به اعمال فشار علیه ایشان می‌پرداخت (روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۰ مهر ۱۳۵۹: ۳). با وجود این گونه تحلیل‌ها و نظرات، باید گفت که این جنگ دارای ریشه‌های تاریخی بوده است؛ یکی از ریشه‌های اساسی آن اختلافات مرزی بین دو کشور می‌باشد که بر اساس آن همواره تنش‌هایی بین طرفین به وجود می‌آمد. این اختلافات که از دوره عثمانی آغاز شد، زمینه را برای شکل‌گیری حدود ۱۷ معاهده بین دو کشور فراهم ساخته بود که نخستین آن‌ها در سال ۱۶۳۹م و آخرین آن در سال ۱۹۷۵م بین دو طرف منعقد گردید (Swearingen, 1988: 408-411). بهانه اصلی صدام از حمله به ایران نیز همین اختلافات مرزی بود که در نهایت در قالب ردّ توافق ۱۹۷۵م صورت پذیرفت. با این حال، گذشته از اختلافات مرزی و تاریخی که بین ایران و عراق وجود داشت، بسیاری از محققین به انگیزه‌ها و دلایل دیگری در خصوص حمله عراق به ایران اشاره می‌کنند که عمده آن‌ها را می‌توان شامل بازی قدرت‌های بزرگ در عصر جنگ سرد، برهم خوردن وضعیت موازنه‌ای در منطقه پس از سقوط محمدرضا شاه پهلوی، ترس از صدور انقلاب اسلامی ایران و همچنین جاه‌طلبی‌های ژئوپلیتیکی (Geopolitic) صدام حسین مبنی بر تصاحب حوزه‌های نفت‌خیز خوزستان و خلیج فارس دانست.

دسترسی عراق به خلیج فارس و خوزستان ایران که از منظر فرهنگی - جغرافیایی با سرزمین‌های عراق همخوانی داشت و از منظر اقتصادی نیز به دلیل وجود ذخایر نفت مزیت‌های قابل توجهی برای دولت عراق دربرداشت، از مهم‌ترین انگیزه‌های ژئوپلیتیکی صدام جهت حمله به ایران بود. صدام حسین بارها ادعای سرزمینی عراق نسبت به حوزه‌های شط‌العرب و خوزستان را ابراز داشته بود. از نظر او این مناطق به عراق تعلق داشته و دولت ایران آن را با زور تصاحب کرده است و لذا رسالت او بازپس‌گیری این مناطق از دست رفته است (Chubin, Zabih, 1974: 188؛ نجف‌پور، «اختلافات مرزی ایران و عراق و تأثیر آن بر جنگ تحمیلی» ۱۳۹۸: ۱۴۳-۱۴۴). یکی دیگر از انگیزه‌های اساسی وی جهت تهاجم به ایران، تغییرات ایدئولوژیک ناشی از انقلاب اسلامی ایران بود که زمینه‌ساز شکل‌گیری یک حکومت جدید در ایران بود که ثبات داخلی عراق را تهدید می‌کرد. حکومت جدید ایران، برخلاف

بازتاب دلایل و انگیزه‌های عراق از حمله ... (الهام رجایی و حجت فلاح توتکار) ۱۲۷

سلطنت سکولار قومی-ناسیونالیستی پهلوی، به الگویی برای انقلابیون اسلام‌گرا تبدیل شد که بر اساس آن گروه‌های شیعی به دنبال سرنگونی رژیم‌های موجود بودند (روزنامه انقلاب اسلامی، ۲۹ خرداد ۱۳۵۸: ۴؛ دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۳۳۴). به همین خاطر بود که طه یاسین رمضان معاون نخست وزیر عراق در آن زمان صراحتاً نابودی نظام جمهوری اسلامی ایران را مهم‌ترین هدف دولت عراق دانست و توافق ۱۹۷۵م را صرفاً بهانه‌ای در این مسیر در نظر گرفت. وی در این زمینه اظهار داشت: «این جنگ به خاطر عهدنامه ۱۹۷۵ و یا چندصد کیلومتر خاک و یا نصف شط‌العرب نیست. این جنگ به خاطر رژیم جمهوری اسلامی است» (جوادی‌پور و دیگران، ۱۳۷۲: ۴۱؛ جبلی و منصور، ۱۳۸۸: ۶۴).

در مجموع می‌توان گفت برهم خوردن سیستم موازنه‌ای (power system Balance of) بین ایران و عراق که در دوره پهلوی ایجاد شده بود نیز از دلایل و انگیزه‌های صدام حسین جهت حمله به ایران بود (روزنامه انقلاب اسلامی، ۲۷ مهر ۱۳۵۹، ۴؛ پارسادوست، ۱۳۶۵: ۱۸۰-۱۸۵). آنتونی کوردسمن نیز در کنار عوامل مختلف در شکل‌گیری حمله عراق به ایران اضافه می‌کند که عراق، تضعیف ایران در نتیجه انقلاب را فرصتی یافت تا از آن برای اثبات برتری خود در منطقه سود ببرد (Cordesman, A, Wagner, A.R. The lessons of Modern War: The Iran-Iraq. 1990:3-4). شایان ذکر است قبل از سال ۱۹۷۹م، رقابت بین ایران و عراق با تسلط ایران به هر یک از شاخص‌های قدرت مشخص شده بود. ایران در آن زمان دارای جمعیت و اقتصادی بیش از سه برابر عراق و ارتشی بیش از دو برابر ارتش صدام بود. علاوه بر این، جغرافیا به ایران عمق استراتژیک لازم را اعطا کرده بود چرا که رشته کوه‌های زاگرس که ایران را از عراق جدا می‌کند از مزایای استراتژیک ایران محسوب می‌شد، در حالی که مراکز جمعیتی عراق در دشت بین‌النهرین قرار داشتند و آنها را در برابر حمله ایران آسیب‌پذیرتر می‌ساخت (Nelson, 2018: 247-250). این وضعیت پس از انقلاب به طور کامل متحول شد و در چنین شرایطی صدام از فرصت لازم استفاده کرد و تلاش داشت که از طریق جنگ، موازنه بر هم خورده را تثبیت کند. گفتنی است در این رابطه بسیاری نیز معتقدند که به هم خوردن سیستم دو ستونی نیکسون-کسینجر (Nixon/Kissinger Doctrine) که ایران را به یک موازنه‌گر قوی در منطقه تبدیل کرده بود، زمینه را برای تهاجم عراق به ایران فراهم ساخت (درودیان، ۱۳۹۴: ۱۵).

۶. دلایل وقوع جنگ از منظر روزنامه انقلاب اسلامی

نگرش روزنامه انقلاب اسلامی به جنگ ایران و عراق و علل وقوع آن، از تفکرات ملی-مذهبی مدیران و اهداف و نگرش سیاسی کلان روزنامه نشأت می‌گرفت. همان طور که بیان داشتیم از اهداف اصلی روزنامه انقلاب اسلامی، تفسیر متعادل از دین و در عرصه سیاست خارجی نیز اصل موازنه منفی که مورد توجه دکتر محمد مصدق قرار داشت به عنوان نقشه راه سیاست کشور در عرصه بین‌المللی بود. با چنین دیدگاهی، روزنامه انقلاب اسلامی نیز جنگ ایران و عراق را در قالب مؤلفه‌های ملی-مذهبی از یک سو و مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی و سیاست قدرت از سویی دیگر تفسیر کرد و دلایل مختلفی را برای حمله عراق به ایران برشمرد. به طور کلی روزنامه انقلاب اسلامی دلایل وقوع جنگ را در قالب دو مؤلفه بازتاب داده است. این دو مؤلفه شامل منافع و خواسته‌های حزب بعث عراق و صدام حسین از یک سو و توطئه قدرت‌های بزرگ و در رأس همه آن‌ها آمریکا و اسرائیل از سوی دیگر است (روزنامه انقلاب اسلامی، ۲۹ خرداد ۱۳۵۸: ۴؛ همان، ۱۳ مهر ۱۳۵۹). در ادامه این بخش با الهام از محتوای روزنامه انقلاب اسلامی و به خصوص دیدگاه‌های ابوالحسن بنی‌صدر، این دو مؤلفه را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱.۶ منافع و خواسته‌های حزب بعث عراق

۱.۱.۶ انسجام داخلی و مقابله با چالش‌های حزب بعث

روزنامه انقلاب اسلامی تلاش صدام حسین به منظور انسجام داخلی و تقویت حزب بعث در داخل عراق و تأمین منافع و خواسته‌های آن حزب را به عنوان یکی از مهم‌ترین دلایل حمله عراق به ایران ذکر کرده است. طبق تحلیل‌های صورت گرفته به وسیله روزنامه و مدیران آن به خصوص بنی‌صدر، صدام در راستای سرپوش نهادن به مشکلات داخلی خود به خصوص اختلافات قومی-مذهبی داخلی به یک جنگ بیرونی توسل جست تا از این طریق با قرار دادن ناسیونالیسم ایرانی در برابر ناسیونالیسم عربی، وحدت داخلی عراق را شکل دهد (همان، ۲۹ خرداد ۱۳۵۸: ۴؛ همان، ۴ تیر ۱۳۵۸: ۴). روزنامه انقلاب اسلامی در این زمینه تشریح کرده است که شخص صدام نیز خود بارها بر این مسئله تأکید ورزیده بود، از جمله این که در اجلاس مشترک سندیکای پزشکان بین عراق و سوریه اظهار کرده بود: «ارتش ما برای اعراب علیه بیگانگان به هر رنگی که باشد خواهد بود. اقتصاد ما برای اعراب است.» روزنامه انقلاب

بازتاب دلائل و انگیزه‌های عراق از حمله ... (الهام رجایی و حجت فلاح توتکار) ۱۲۹

اسلامی تفسیر کرده است که شعارهای نژادپرستانه حزب بعث عراق دقیقاً ترجمه شعارهای آلمان هیتلری مبنی بر یک ملت برای نژاد بشریت بود. در این چارچوب، حمله صدام به ایران نه تنها می‌توانست زمینه را برای وحدت ملی و انسجام داخلی عراق فراهم سازد، بلکه امکان تقویت و قدرت بیشتر حزب بعث را نیز فراهم می‌آورد. طبق استدلال این روزنامه صدام نیز همانند هیتلر در تلاش بود تا از طریق حمله خارجی زمینه کسب مشروعیت و پذیرش داخلی را به دست آورد (همانجا). در راستای اهداف عراق، کشورهای عرب به خصوص عربستان سعودی و شیخ نشین‌های خلیج فارس نیز در پی واهمه از شعارها و آرمان‌های انقلاب ایران، در حمایت از عراق برخاستند و در طی دوران جنگ نیز از هیچ کمکی دریغ نکردند.

۲.۱.۶ مقابله با تهدیدات ناشی از انقلاب ایران

طبق دیدگاه روزنامه انقلاب اسلامی، نگرش اهل تشیع ایران که انقلاب اسلامی نیز از آن تغذیه کرده بود در کنار هویت ایرانی آن زمینه را برای وحشت بیشتر صدام فراهم ساخته بود چرا که عراق نیز از جمعیت تشیع برخوردار بود که می‌توانستند با سیاست ایران همخوانی داشته باشند. طبق استدلال روزنامه انقلاب اسلامی، از آنجایی که جمعیت شیعیان عراق در شهرهای بزرگی همچون سامرا، کوفه، کربلا و کاظمین وجود داشت لذا طبیعی بود که دولت عراق از این جمعیت که طرفدار حکومت ایران بودند واهمه داشته باشد (همان، ۲۹ خرداد ۱۳۵۸: ۴). طبق اظهارات علی‌اکبر دهقان، نماینده تربت جام در مجلس شورای اسلامی در جلسه ۶ مهر ۱۳۵۹، عراق در حال سقوط و اضمحلال است و از صدور انقلاب ایران هراس دارد (همان، ۷ مهر ۱۳۵۹: ۲) در تأیید این اظهارات، عباس حیدری نماینده بوشهر بیان داشت که با توجه به نزدیک شدن حکومت بعث عراق به سقوط، آمریکا با تحریک صدام به جنگ می‌خواهد که از افتادن سلاح‌ها به دست مردم آن کشور جلوگیری کرده تا مبادا در آینده از آن سلاح‌ها علیه اسرائیل به کار گرفته شود (همان، ۲۹ خرداد ۱۳۵۸: ۴؛ موسوی‌نیا، ۱۳۸۹: ۲۰۶؛ مسعودی؛ ۱۳۸۸: ۱۵). همچنین بنا بر گزارش روزنامه الوطن چاپ کویت، عراق و عربستان روز بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، به تدابیر امنیتی برای مقابله با انقلاب اسلامی را در دستور جلسه کنفرانس عالی کشورهای خلیج فارس قرار دادند. میتران رئیس حزب سوسیالیست فرانسه پیش‌بینی کرد خیزش‌هایی از نوع انقلاب ایران در کشورهای همجوار روی خواهد داد. مناخیم بگین، نخست‌وزیر وقت اسرائیل اظهار داشت موجی از اسلام تعصب‌آمیز در خاورمیانه شیوع پیدا خواهد کرد (خلاصه روزشمار جنگ، ۱، ۱۳۷۵: ۱۱۲۰). آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز در این باره

اذعان داشت که جنگ را عراق به منظور جلوگیری از صدور انقلاب آغاز کرد زیرا این کشور از جهاتی شرایطی مشابه وضع گذشته ایران در زمان حکومت پهلوی را داشت (روزنامه اطلاعات، ۸ مهر ۱۳۵۹: ۳).

بر این اساس دولت عراق به منظور حفظ سیطره داخلی خود به یک سیاست خارجی تهاجمی متوسل شد و اقدامات خشونت‌آمیز و تجزیه‌طلبانه عراق نسبت به شیعیان ایرانی نیز به همین دلیل بوده است. طبق دیدگاه روزنامه انقلاب اسلامی، نمونه حمایت‌های عراق از خوزستان و تحریک اعراب و همچنین کشتار شیعیان عراقی از جمله محمداقبر صدر بیانگر این است که دولت عراق به زعم صدام از به خطر افتادن بقای اعراب در برابر انقلاب ایران ترسیده بود (روزنامه انقلاب اسلامی، ۲۹ خرداد ۱۳۵۸: ۴). دولت عراق که احساس می‌کرد حکومت ایران با وقوع انقلاب تضعیف شده است از این رو تلاش کرد همان برنامه‌ای را برای ایران پیاده کند که صهیونیست‌ها در سال ۱۹۶۷م علیه اعراب پیاده کرده بودند (همان، ۵ مهر ۱۳۵۹: ۱؛ همان، ۹ مهر ۱۳۵۹: ۱). روزنامه انقلاب اسلامی در خصوص تلاش دولت عراق به منظور سرنگونی انقلاب ایران این‌گونه اظهار کرده است:

خصائل آزادی‌خواهانه، مردمی و عدالت‌جویانه انقلاب اسلامی ایران سبب شد که دولت بعث عراق پیروزی و تداوم این انقلاب را به مثابه خطری جدی و حیاتی برای بقا و استمرار موجودیت ظالمانه خود تلقی نماید. از همین روست که رژیم عراق از بدو پیروزی انقلاب ایران و به ویژه در یک سال اخیر در جهت تضعیف اساس جمهوری اسلامی از صرف مساعی پنهان و آشکار فروگذار نکرده است. ابتدایی‌ترین و متداول‌ترین نمونه این بذل مساعی در خوزستان و کردستان مساعدت و معاضدت با عناصر و گروه‌های منحرف و ضد انقلابی است که بر اجرای مفاد توطئه امپریالیسم و صهیونیسم بر ضد انقلاب ایران کمر بسته‌اند. (همان، ۳ مهر ۱۳۵۹: ۱)

۲.۶ نقش قدرت‌های خارجی (آمریکا و اسرائیل)

روزنامه انقلاب اسلامی نقش قدرت‌های بزرگ به خصوص آمریکا را در بروز جنگ حائز اهمیت می‌داند چرا که معتقد است این کشور به دنبال اهداف متعددی در وقوع جنگ ایران و عراق بود که یکی از آنها، حمایت از متحد اصلی خود یعنی اسرائیل می‌باشد. نشریات خارجی نیز به اتحاد آمریکا و اسرائیل جهت نابودی انقلاب ایران اذعان داشتند از جمله القبس چاپ کویت نوشت آمریکا از کشورهای خلیج فارس تقاضای تشکیل فرماندهی یکپارچه

بازتاب دلائل و انگیزه‌های عراق از حمله ... (الهام رجایی و حجت فلاح توتکار) ۱۳۱

جهت مقابله با انقلاب ایران را کرد. بگین، نخست وزیر اسرائیل نیز خواستار همکاری نظامی همه‌جانبه آن کشور با آمریکا به منظور حفظ ثبات و امنیت خاورمیانه بود (خلاصه روزشمار جنگ، ۱، ۱۳۷۵: ۱۱۲۰). از این رو آمریکا شکل‌گیری یک جنگ فرسایشی را به نفع اهداف استراتژیک خود و متحدانش در منطقه می‌دانست (روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۵ مهر ۱۳۵۹: ۴)؛ و در این زمینه آورده است:

در این مسیر نقش ایالات متحده که تلاش داشت با شکل‌دهی به تهاجم علیه ایران اذهان عمومی را از مقابله با اسرائیل دور سازد نیز قابل توجه است و آمریکا از طریق تحریک اعراب علیه ایران به دنبال ایجاد یک جنگ فرسایشی بود (همان، ۲۹ خرداد ۱۳۵۸: ۴).

این روزنامه در شماره‌های بعدی خود بر مسئله جنگ فرسایشی تأکید دارد و از آن به عنوان یکی از انگیزه‌های اساسی آمریکا به عنوان تأمین منافع خاص خود در منطقه یاد کرده است. در واقع طبق این استدلال، آمریکا به دنبال تضعیف دو نیروی قدرتمند منطقه از طریق ورود آنها به یک جنگ ۸ ساله بود تا از این طریق منافع‌اش در خطر نیفتد (همانجا). در شماره‌های مختلف خود نیز به نقش آمریکا در آغاز جنگ با هدف سرنگونی انقلاب ایران اشاره کرده است. به عنوان نمونه در شماره ۳۸۱ به طور مستقیم تأکید می‌کند «ایالات متحده آمریکا آنچه در توان دارد انجام خواهد داد تا انقلاب اسلامی ایران را تضعیف کند» (همان، ۲۱ مهر ۱۳۵۹: ۴).

بنابراین روزنامه انقلاب اسلامی، نابودی انقلاب ایران را از دیگر دلایل دخالت آمریکا در این جنگ عنوان کرده است و طبق بیانات بنی‌صدر که در روزنامه انتشار یافت، رئیس‌جمهور وقت آمریکا به منظور تضعیف حکومت نوپای ایران، این کشور را به سمت منازعات داخلی و خارجی سوق داد و اقدامات دولت عراق نیز در این مسیر قابل فهم بود (همان، ۱۹ تیر ۱۳۵۹: ۱۲). آیت‌الله علی خامنه‌ای، رئیس‌جمهور وقت ایران در سال ۱۳۶۱، در این زمینه اظهار می‌دارد:

از جمله عواملی که برای به زانو درآوردن انقلاب‌ها در دنیا بکار می‌رود حمله داخلی و خارجی است. انقلاب‌ها در مقابل حملات خارجی شکننده‌اند به نحوی که یا اصل انقلاب از بین می‌رود، یا از انقلابی بودن دست بر می‌دارند و با پناه بردن به قدرت‌ها تسلیم می‌شوند. (مجموعه مصاحبه‌های حجت الاسلام والمسلمین سیدعلی خامنه‌ای رئیس‌جمهور ایران، ۱۳۶۱-۱۳۶۲: ۱۱۸)

هاشمی رفسنجانی نیز در مراسم افتتاحیه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع در این زمینه می‌گوید:

شروع جنگ تحقیقاً برای نابودی انقلاب بود و از آن‌رو که شرقی‌ها و غربی‌ها از این انقلاب ناراضی بودند، غرب که بیشترین منافع را در ایران داشت، انقلاب را مستقیماً علیه منافع خود می‌دانست و باید در ایران شرایطی به وجود آید که دیگران ناامید شوند (بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، ۱، ۱۳۶۷: ۴۶).

بنی‌صدر نیز در این زمینه دیدگاهی مشابه روحانیت و جناح مقابل را داشت و معتقد بود، سقوط شاه اگرچه از نظر نظامی به نفع عراق بود اما از لحاظ رشد جنبش‌های اسلامی و شیعی به ضرر این کشور تمام شد و لذا برای رهبران این کشور چندان خوش‌آیند نبود (روزنامه انقلاب اسلامی، ۴ تیر ۱۳۵۸؛ ۴؛ بنی‌صدر، ۱۳۶۷: ۷۰). وی در کرمانشاه نیز پیش از آغاز جنگ، طی سخنرانی خود، مستقیم به نقش آمریکا در تحریک عراق علیه ایران اشاره می‌کند:

بیشتر امید ما این است که سربازان و افسران عراقی، رژیم بعث را نپذیرند و برای سرنگونی آن بکوشند، صف‌آرایی مسئله مهمی نیست. سرباز عراقی به روی سرباز مسلمان و برادر مسلمان خودش نمی‌ایستد. ما نه توقعی در عراق داریم و نه می‌خواهیم ذره‌ای از خاک آن را بگیریم ما هیچ از این برنامه و هدف‌ها نداریم، این یک رژیم فاسدی است که به تحریک آمریکایی‌ها برای ما بازی در می‌آورد. (روزنامه انقلاب اسلامی، ۲۴ شهریور ۱۳۵۹، ۱-۲).

رئیس‌جمهور وقت ایران در نخستین روز جنگ نیز طی سخنرانی خود که از رادیو پخش شد هر سه مؤلفه مذکور یعنی تلاش برای نابودی انقلاب ایران و حمایت‌های اسرائیل و آمریکا از عراق را به عنوان دلایل اصلی تجاوز آن کشور علیه ایران مطرح کرد؛ وی تأکید داشت که دولت ایران تلاش کرد تا جای ممکن از جنگ پرهیزد ولی از آنجایی که حکومت عراق «در تابعیت کامل از ابرقدرت آمریکا» گام برمی‌دارد و هدفی جز صدمه به انقلاب ایران ندارد، متعاقباً نیروهای نظامی ایران نیز راهی جز دفاع از خود نخواهند داشت (همان، ۱ مهر ۱۳۵۹: ۲).

طبق گزارش روزنامه انقلاب اسلامی، بنی‌صدر در دیدار با برخی از سفرای کشورهای اسلامی چند روز پس از آغاز جنگ، به نقش آمریکا در این منازعه اشاره کرد و افزود که این جنگ برخورد قدرت‌های بزرگ با انقلابی است که نظام سیاسی ایران را از اختیار آنها خارج ساخته بود. وی همچنین در بخش دیگری از سخنان خود در این نشست اظهار کرده بود که این توطئه‌ای است که نه تنها آمریکا در آن نقش دارد بلکه عامل اصلی ایجاد آن به حساب می‌آید (همان، ۳ مهر ۱۳۵۹: ۱). بنی‌صدر در سخنرانی دیگر خود که در روزنامه انقلاب اسلامی

بازتاب دلائل و انگیزه‌های عراق از حمله ... (الهام رجایی و حجت فلاح توتکار) ۱۳۳

انتشار یافته است متذکر شد «دولت عراق دولتی نیست که بتواند فکر تجاوز را در تنهایی به کله بیاورد. ناگزیر اقدام او به دولت‌های بزرگ و نیمه بزرگ ربط دارد» (همان، ۲ مهر ۱۳۵۹: ۱۱).

در رابطه با واهمه اسرائیل نسبت به انقلاب ایران، علاوه بر نگرانی از تشکیل حکومت شیعی و انقلابی که می‌توانست الهام‌بخش سایر کشورها باشد، باید به حمایت‌های مادی و معنوی مبارزان ایرانی نسبت به فلسطینیان که از سال‌های قبل شروع شده بود اشاره کرد (رجایی، ۱۳۹۹: ۱۴۲-۱۴۶) که به دنبال ورود یاسر عرفات به عنوان نخستین شخصیت خارجی که با امام خمینی در تهران، بعد از پیروزی انقلاب، دیدار داشت این نگرانی‌ها از سوی کشورهای دیگر از جمله اسرائیل دوچندان شد و در ورود آن کشور در حمایت از عراق در طول جنگ، نمود پیدا کرد. بنابراین روزنامه انقلاب اسلامی نقش اسرائیل را نیز در جنگ ایران و عراق و تحریک صدام حسین برجسته می‌سازد و اظهار می‌کند که نقش اسرائیل در این جنگ از این رو بود که پیروزی انقلاب اسلامی ایران عامل بسیار مؤثری محسوب می‌شد که مواضع را به نفع کشورهای نظیر سوریه، لیبی، الجزایر، سازمان مقاومت فلسطین و در کل کشورهای که در خط مبارزه علیه اسرائیل بودند تقویت می‌کرد (همان، ۱۴ مهر ۱۳۵۹: ۱). در تأیید اظهارات فوق می‌توان به گزارش هفته‌نامه ساندی تایمز (Sunday Times) اشاره داشت که آمده است استراتژی اسرائیل و برخی از کشورهای عربی، تأمین منابع مالی و نظامی علیه ایران بود که «ادامه جنگ را تضمین کنند»؛ از این رو اسرائیل از بی‌ثباتی در جهان عرب خشنود بود (Sunday Times, 31 July 1972).

محمد جعفری در یکی از مقاله‌های خود، دلایل مقابله اسرائیل با انقلاب ایران را حمایت‌های همه‌جانبه انقلاب ایران از تمامی نهضت‌های رهایی‌بخش دانست که پیرو این سیاست نیز بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، سفارت اسرائیل در ایران برچیده شد و در عوض سفارت فلسطین دایر گشت. این در حالی است که

شاه سابق سیاستش در بین کشورهای مسلمان حمایت همه‌جانبه از دست‌نشانندگان آمریکا نظیر سادات و شاه حسین و غیره بود در صورتی که جمهوری اسلامی ایران سیاست خود را حمایت از کشورهای نسبتاً مستقل و آزاد قرار داده و روابط خود را با این کشورهای برادر برقرار کرده و گسترش داده است (روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۹ مهر ۱۳۵۹: ۱۲).

۷. نتیجه‌گیری

روزنامه انقلاب اسلامی که در اوایل انقلاب به وسیله ابوالحسن بنی‌صدر و هم‌فکرانش انتشار می‌یافت از آنجایی که انتشار آن همزمان با آغاز جنگ ایران و عراق بود و همچنین توسط بنی‌صدر که اندکی بعد پست ریاست جمهوری و فرماندهی کل قوا را بر عهده می‌گیرد، از منابع مهم جهت بررسی مسائل مربوط به آغاز جنگ ایران و عراق می‌باشد. این روزنامه بر مسئله جنگ ایران و عراق تمرکز ویژه‌ای داشت و این موضوع را در ابعاد مختلف بازتاب می‌داد. از جمله مسائلی که در این خصوص مورد توجه دست‌اندرکاران روزنامه قرار گرفته بود، دلایل جنگ و انگیزه‌های دولت عراق از جمله به ایران بود که در این پژوهش مورد بحث و بررسی قرار گرفت. روزنامه انقلاب اسلامی به طور کلی در رابطه با دلایل وقوع جنگ ایران و عراق به ۲ مسئله اساسی اشاره کرده است که شامل منافع و خواسته‌های دولت عراق از یک سو و توطئه و منافع قدرت‌های بزرگ و در رأس آن ایالات متحده آمریکا و اسرائیل از سوی دیگر است؛ طبق استدلال روزنامه انقلاب اسلامی، دولت عراق در راستای منافع حزب بعث و به منظور ایجاد یکپارچگی داخلی و چالش‌ها و تهدیدات ناشی از انقلاب اسلامی ایران به یک حمله خارجی نیازمند بود و اقدام صدام علیه جمهوری اسلامی ایران نیز در این راستا صورت پذیرفت. در مورد مؤلفه دوم نیز روزنامه انقلاب اسلامی بارها به نقش اسرائیل و آمریکا اشاره کرده و این دو کشور را از عوامل اصلی تحریک صدام به منظور راه‌اندازی جنگ علیه ایران قلمداد کرده است. از این منظر، آمریکا و اسرائیل به دلیل مبانی انقلابی سیاست خارجی ایران که بر ضد منافع دو کشور به شمار می‌آمد، و نگرانی‌هایی که از همراهی انقلابیون ایران با بلوک شرق و شوروی همواره مطرح بود، منجر شد که یک جنگ تمام‌عیار را علیه ایران به راه‌اندازند. تمامی این عوامل را به وفور می‌توان در آثار بنی‌صدر و اطرافیان وی از جمله محمد جعفری که سردبیر روزنامه بود مشاهده کرد. با این حال همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد دلایل دیگری نیز در شکل‌گیری جنگ همواره از سوی رسانه‌ها و پژوهشگران مطرح شده است که روزنامه انقلاب اسلامی آنها را در بروز این منازعه چندان اثرگذار نمی‌داند و به ندرت به آنها می‌پردازد که به طور نمونه می‌توان به اختلافات مرزی که از دوره عثمانی همواره بین دو کشور وجود داشت اشاره کرد. افزون بر این واهمه عراق از همراهی جمهوری اسلامی با کردهای عراق که پیش از این سابقه حمایت رژیم پهلوی از آنها وجود داشت و در پایان نیز می‌توان به ادعای مالکیت عراق بر جزایر سه گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی که در برافروختن آتش جنگ موثر بود اشاره کرد.

بازتاب دلائل و انگیزه‌های عراق از حمله ... (الهام رجایی و حجت فلاح توتکار) ۱۳۵

کتاب‌نامه

- بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، مقالات ارائه شده به کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، جلد ۱، ۱۳۶۷
برزگر، علی. (۱۳۹۷). روزشمار جنگ تحمیلی، تهران: سروش
- بنی‌صدر، فیروزه. (۱۳۸۵) نامه‌ها از آقای بنی‌صدر به آقای خمینی و دیگران، فرانکفورت: انتشارات انقلاب اسلامی
- بنی‌صدر، ابوالحسن. (۱۳۶۰) خیانت به امید، پاریس: انتشارات انقلاب اسلامی
- بنی‌صدر، ابوالحسن. (۱۳۶۷). سیر تحول سیاست آمریکا در ایران (کتاب اول: آمریکا و انقلاب)، پاریس: انتشارات انقلاب اسلامی
- بنی‌صدر؛ ابوالحسن. (۱۳۸۰). درس تجربه، به کوشش حمید احمدی، برلین: انتشارات انقلاب اسلامی
- پارسا دوست، منوچهر (۱۳۶۵). زمینه‌های تاریخی اختلاف ایران و عراق، تهران، شرکت سهامی
- جعفری جبلی، علی و منصوری، مجید. (۱۳۸۸)، تقویم تاریخ دفاع مقدس نداجا، تهران، انتشارات دفتر پژوهش‌های نظری و مطالعات راهبردی نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران.
- جعفری، محمد. (۱۳۸۳). پاریس و تحول انقلاب ایران از آزادی به استبداد، فرانکفورت: نشر برزاوند
- جعفری، محمد. (۱۳۸۸). ده سال با اتحادیه در آلمان: وضعیت مبارزین مسلمان خارج از کشور به هنگام ورود آقای خمینی به پاریس، فرانکفورت: نشر برزاوند
- جعفری، محمد. (بی‌تا). پیشگفتاری بر در اختیار عموم قرار گرفتن کامل روزنامه انقلاب اسلامی، وبسایت روشن بخشی، دریافت شده در ۲۸ آبان ماه ۱۴۰۱، در <http://www.roushanbakhshi.com>
- جعفری، محمد. (۱۳۸۹). روزنامه انقلاب اسلامی در مسیر تاریخ، برلین: انتشارات برزاوند
- جوادی‌پور، محمد. نیکفرد، علی. حسینی، یعقوب. (۱۳۷۲). نقش ارتش جمهوری اسلامی ایران در ۸ سال دفاع مقدس، جلد اول، تهران: سازمان عقیدتی ارتش
- خشت خام، مصاحبه حسین دهباشی با سید ابوالحسن بنی‌صدر، فصل دوم، نوبت ۲۵
- خلاصه روزشمار جنگ، جلد ۱: تأسیس نظام جدید، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقاتی جنگ، ۱۳۷۵
- درودیان، محمد. (۱۳۹۶). سیری در جنگ ایران و عراق، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۸۹). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سمت
- رجایی، الهام. (۱۳۹۹). محافل خیریه غیردولتی و نهضت امام خمینی، تهران: سوره مهر
- رئیس طوسی، رضا، «استراتژی آمریکا، تضعیف توان ملی ایران»، ایران فردا، سال سوم، شماره ۱۶، بهمن ۱۳۷۳

روزنامه اطلاعات، شماره ۱۶۲۵۰، ۱۳۵۹/۷/۸

روزنامه انقلاب اسلامی، شماره ۱، ۱۳۵۸/۳/۲۹

۱۳۶ جستارهای تاریخی، سال ۱۴، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

روزنامه انقلاب اسلامی، شماره ۶، ۱۳۵۸/۴/۴

روزنامه انقلاب اسلامی، شماره ۳۵۳، ۱۳۵۹/۶/۲۴

روزنامه انقلاب اسلامی، شماره ۳۵۹، ۱۳۵۹/۷/۱

روزنامه انقلاب اسلامی، شماره ۳۶۰، ۱۳۵۹/۷/۲

روزنامه انقلاب اسلامی، شماره ۳۶۱، ۱۳۵۹/۷/۳

روزنامه انقلاب اسلامی، شماره ۳۶۲، ۱۳۵۹/۷/۵

روزنامه انقلاب اسلامی، شماره ۳۶۳، ۱۳۵۹/۷/۷

روزنامه انقلاب اسلامی، شماره ۳۶۵، ۱۳۵۹/۷/۹

روزنامه انقلاب اسلامی، شماره ۳۶۶، ۱۳۵۹/۷/۱۰

روزنامه انقلاب اسلامی، شماره ۳۶۸، ۱۳۵۹/۷/۱۳

روزنامه انقلاب اسلامی، شماره ۳۶۹، ۱۳۵۹/۷/۱۴

روزنامه انقلاب اسلامی، شماره ۳۷۰، ۱۳۵۹/۷/۱۵

روزنامه انقلاب اسلامی، شماره ۳۷۳، ۱۳۵۹/۷/۱۹

روزنامه انقلاب اسلامی، شماره ۳۷۵، ۱۳۵۹/۷/۲۱

روزنامه انقلاب اسلامی، شماره ۳۷۶، ۱۳۵۹/۷/۲۲

روزنامه انقلاب اسلامی، شماره ۳۷۷، ۱۳۵۹/۷/۲۳

روزنامه انقلاب اسلامی، شماره ۳۸۰، ۱۳۵۹/۷/۲۷

روزنامه انقلاب اسلامی، شماره ۴۴۵، ۱۳۵۹/۹/۱۷

روزنامه انقلاب اسلامی، شماره ۵۵۶، ۱۳۶۰/۳/۱۸

صحیفه امام، ج ۱۴، (۱۳۷۸)، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

فردوسی پور، اسماعیل (۱۳۹۰)، خاطرات حجت‌الاسلام و المسلمین اسماعیل فردوسی پور، تهران، موسسه

تنظیم و نشر آثار امام خمینی

کارنامه توصیفی عملیات‌های هشت سال دفاع مقدس، تدوین علی سلیمی، تهران، نسل کوثر، چاپ سوم،

۱۳۸۲

مجموعه مصاحبه‌های حجت‌الاسلام و المسلمین سیدعلی خامنه‌ای رئیس‌جمهور ایران، سال ۱۳۶۱-۱۳۶۲،

انتشارات سروش، ۱۳۹۶

مشروح مذاکرات مجلس اول شورای اسلامی

نجف پور، مجید (۱۳۹۸)، «اختلافات مرزی ایران و عراق و تأثیر آن بر جنگ تحمیلی»، فصلنامه علمی علوم و

فنون مرزی، دوره هشتم، شماره ۲، (۲۹)، تابستان

بازتاب دلایل و انگیزه‌های عراق از حمله ... (الهام رجایی و حجت فلاح توتکار) ۱۳۷

Chubin, Shahram, Zabih, Sepehr. (1974). The Foreign Relations of Iran, Berkeley:University of California Press.

Cordesman,A., Wagner,A.R.(1990), The lessons of Modern War: The Iran-Iraq.Boulder, CO and San Francisco, CA: Westview Press.

E. Nelson, Chad.(2018). Revolution and War: Saddam's Decision to Invade Iran, Middle East Journal, Vol. 72, NO. 2

Iran-Iraq War.(2022). Britannica website, Retrieved July 2 2022, From

<https://www.britannica.com/biography/Qassem-Soleimani>

Swearingen, D. Swearingen. (1988). Geopolitical Origins of the Iran-Iraq War. Geographical Review, Vol.78,No.4

Sunday Times, 31 july 1922

Washington Post, 5October 1980.

